

اهمیت استراتژیک ایران برای هند در سه محور

پایگاه تحلیلی «مدرن دیپلماسی» نوشت: دینامیک منطقه‌ای در حال تغییر است و به دنبال آن روابط ایران و هند نیز از اهمیت بیشتری نسبت به دهه‌های گذشته برخوردار شده است. آغاز روابط بین تهران و دهلی‌نو را می‌توان از دهه ۵۰ میلادی دانست؛ زمانی که دو طرف معاهده دوستی و صلح پایدار را به امضا رساندند. البته اندکی بعد و با پیوستن ایران به معاهده بغداد در سال ۱۹۵۴ و از سوی دیگر دینامیک سیاست‌ورزی در عصر جنگ سرد، مانع از همگرایی بیشتر در روابط تهران و دهلی تا دهه ۹۰ میلادی شد. تحریم‌هایی که پس از بروز انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط غرب اعمال شدند، موجب شد ایران برای چند دهه در سطح بین‌المللی منزوی شود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، نظم جدیدی در جهان شکل گرفت. این رخداد آغازی بر پایان یک نظم جهانی دوقطبی بین روسیه و آمریکا بود و زمینه را برای ایجاد نظم جدیدی فراهم ساخت و با گذشت زمان، جهان تولد قدرت‌های جدید نظیر چین را نظاره‌گر بود. پس از پایان جنگ سرد، هند نیز در نتیجه فشارهای داخلی و بین‌المللی روند جهانی‌شدن، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد خود را کلید زد. این مسیر علاوه بر منافعی که با خود برای کشورهای نظیر هند به همراه داشت، برخی چالش‌ها را نیز متوجه این دولت‌های نوظهور کرده بود.

در دهه ۹۰ میلادی منافع ایران و هند در زمینه‌های انرژی، امنیت آسیای میانه و به‌ویژه در منطقه پاکستان-افغانستان نقطه اشتراک پیدا کرد. روابط دو کشور در اوایل دهه ۹۰ میلادی به روند تقویتی خود ادامه داد و پس از سال ۲۰۰۲، زمانی که یک معاهده همکاری نظامی به امضای تهران و دهلی‌نو رسید، با گشایش‌های تازه‌ای نیز مواجه شد. این روابط البته از همان سال‌ها به دلیل خصومت‌های ادامه‌دار میان تهران و واشنگتن با فراز و نشیب‌هایی نیز همراه بوده است. تحریم‌های گسترده‌تری که دونالد ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای، بار دیگر علیه ایران بازگرداند، حاکمیت هند را برای کاهش سطح روابط دیپلماتیک با ایران تحت فشار قرار داده است. در حالی که فشار متحدان هند برای کاهش روابط با ایران افزایش یافته، اما دهلی‌نو هرگز به‌طور کامل روابط و همکاری با تهران را متوقف نکرده است. در واقع سیاست دهلی‌نو مبنی بر ادامه حداقل همکاری ممکن با تهران بر پایه استدلال حفظ منافع ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواقتصادی در منطقه استوار است؛ منطقه‌ای که ایران یکی از بازیگران اصلی آن است.

ایران: پل ارتباطی هند به همسایگان جدید

ایران نه تنها در حوزه اقتصاد منطقه‌ای برای هند با اهمیت دانسته می‌شود، بلکه یک پل ارتباطی برای هند در راستای ارتباط آسیای مرکزی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و منطقه قفقاز است. بندر چابهار نه تنها برای منافع ژئوپلیتیک هند در غرب آسیا حائز اهمیت فراوان است، بلکه این امر در مورد افغانستان و آسیای مرکزی به عنوان همسایگان جدید این کشور نیز حیاتی است. به علاوه اهمیت این بندر به دلیل تلاش چین برای افزایش نفوذ خود در همسایگان هند، اهمیتی دوچندان برای دهلی‌نو یافته است. چین با برنامه‌هایی نظیر ابتکار «یک کمربند-یک راه» و سرمایه‌گذاری در بندر گوادر پاکستان سعی در محدود ساختن حوزه نفوذ هند در این مناطق دارد. با همین استدلال بود که دهلی‌نو تصمیم به سرمایه‌گذاری عظیم در بندر چابهار را اتخاذ کرد. در دسامبر ۲۰۱۸، شرکت سهامی محدود بنادر جهانی هند دفتری را در بندر چابهار گشود و عملیات بندر شهید بهشتی را در این شهر عهده‌دار شد. این بندر می‌تواند ارتباط هند با افغانستان و آسیای مرکزی را تقویت و حفظ کند.

اساس روابط ایران و هند بر پایه «رفاه از طریق تقویت ارتباطات» بر همکاری دوجانبه در حوزه‌های انرژی، تجارت، ارتباطات و

تقویت روابط تجار دو کشور متمرکز است. ایران و هند به همراه افغانستان پیمان سه‌جانبه‌ای را برای توسعه بندر چابهار امضا کرده‌اند. ایران نقش حیاتی در کمک به هند برای تبدیل به یک قدرت نوظهور جهانی ایفا می‌کند. این روابط دوجانبه با ایران نه تنها برای تامین منافع اقتصادی هند ضروری است، بلکه اهمیت بسزایی نیز در توسعه نفوذ دهلی‌نو در همسایگان جدید در حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی خواهد داشت. در واقع ایران برای دسترسی هند به آسیای مرکزی نقش حیاتی دارد و می‌تواند به دهلی‌نو کمک کند تا رشد نفوذ چین در میان همسایگان هند تعدیل شود.

اهمیت ژئواقتصادی ایران برای دهلی‌نو

ایران را می‌توان تا حد زیادی یک اقتصاد هیدروکربنی دانست. این کشور دارای ذخایر قابل توجه نفت و همچنین پس از روسیه، بزرگ‌ترین ذخیره گاز مایع جهان را داراست. پس از آزادسازی اقتصاد هند در اوایل دهه ۹۰، روابط دو کشور نیز تسهیل شد. با این حال در سال ۲۰۱۴ و به دلیل تحریم‌های آمریکا، میزان تجارت بین دو کشور به کمترین میزان رسید. براساس گزارش اگزیم بانک هند واردات این کشور از ایران تا حد زیادی وابسته به نفت است که نزدیک به ۸۶ درصد از واردات هند از ایران را به خود اختصاص می‌دهد. در سال ۲۰۱۴، هند دومین بازار وارداتی برای نفت ایران بود، با این حال با بازگشت دوباره تحریم‌ها و عدم امکان پرداخت از طریق کانال‌های مالی، واردات هند از ایران به تدریج کاهش یافت.

حجم تجاری میان ایران و هند بر پایه دلار آمریکا و طی مدت ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ برابر با ۱۳/۷۶ میلیارد دلار بوده است. براساس اعلام وزارت روابط خارجی هند، حجم تجارت دوجانبه در سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ با ثبت یک رشد ۲۳/۸ درصدی به ۱۷/۳ میلیارد دلار رسیده است. به علاوه صادرات هند به ایران با رشد ۳۲/۳ درصدی به ۳/۵ میلیارد دلار رسید. هند که اکنون یکی از پرشتاب‌ترین اقتصادهای جهان است عطش بسیار بالایی برای تامین انرژی موردنیاز خود دارد. انرژی در تمامی بخش‌های اقتصادی هند نقشی حیاتی دارد. رشد تولید ناخالص داخلی هند موجب تولید اقلام و فرآورده‌های بیشتری شده است و اکنون نیاز این کشور به انرژی از هر زمان دیگری بیشتر است. درواقع سهم هند در افزایش نیاز به انرژی در سطح جهان از هر کشوری سبقت گرفته است. هند تا سال ۲۰۴۰ قرار است به پرجمعیت‌ترین کشور جهان بدل شود. اگرچه هند گام‌های بلندی را نیز در زمینه تامین انرژی‌های تجدیدپذیر برداشته است؛ اما همچنان سه‌چهارم از انرژی موردنیاز هند را منابع فسیلی تامین می‌کنند. هند همچنین یکی از صادرکنندگان اصلی فرآورده‌های نفتی است. همچنین با توجه به سیاست‌های دولت، افزایش سطح درآمد سرانه و پیشرفت اقتصادی هند، این کشور در حال تجربه سریع استفاده روزافزون شهروندان خود از گاز مایع برای پخت‌وپز به جای ابزار و انرژی‌های سنتی و زغال است. چالش پیش‌روی هند آن است که بتواند یک منبع نزدیک، بزرگ و مقرون به صرفه از گاز مایع را برای نیازهای آتی خود تامین کند. ایران با در اختیار داشتن تمامی این ویژگی‌ها می‌تواند تامین نیاز هند به گاز مایع را تضمین کند. این کشور همچنین دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک برای هند است.

منافع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای هند

هند و چین در رقابت با یکدیگر برای تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت جهانی هستند. در نتیجه منافع آنها در تضاد با یکدیگر در بسیاری از سطوح و همسایگی خود در منطقه هند-اقیانوسیه قرار گرفته‌اند که برای هر دو کشور از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بالایی برخوردار هستند. چین تمرکز خود را بر احیای جاده تجاری و باستانی ابریشم از طریق عملیاتی ساختن ابتکار «یک کمربند-یک راه» معطوف ساخته است. از سوی دیگر، هند به دنبال اجرایی ساختن برنامه‌های توسعه ارتباطاتی نظیر بندر چابهار و کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب است. این تلاش‌ها با هدف پیوند آسیای مرکزی و افغانستان دنبال می‌شوند. نظم جهانی چالش برانگیز کنونی موجب ظهور مناطق مهمی نظیر آسیای مرکزی شده است. از طرف دیگر پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال

۲۰۰۱، این کشور اهمیت استراتژیک بالایی پیدا کرد. با خروج آمریکایی‌ها از افغانستان و خلأ قدرتی که انتظار می‌رود طی سال‌های آتی در این کشور تقویت شود، این کشور به میدان تحرکات نیروهای روس، پاکستانی و چینی بدل شده است. هند از این محل نگرانی‌های عمیق امنیتی را نیز به‌ویژه از طریق پاکستان احساس می‌کند. هند هم‌اکنون دسترسی مستقیم به افغانستان و آسیای مرکزی ندارد و در نتیجه ایران برای اینکه هند بتواند نفوذ خود را در افغانستان تثبیت کند حیاتی است اگرچه فشارهای بین‌المللی بر دهلی‌نو موجب کند شدن تقویت روابط دو کشور شده است. ایران همچنین می‌تواند همکاری کارآمدی با هند برای تعدیل نفوذ پاکستان در افغانستان و مبارزه با گروه‌های افراطی تروریست داشته باشد. همکاری ایران و هند در واقع برای حفظ و ارتقای منافع مشترک دو کشور حیاتی است. با این حال آمریکا اغلب توسعه روابط دو کشور را در سایه‌ای از ابهام قرار داده است. آمریکا در عین حال از هند انتظار دارد تا بتواند با حضور در افغانستان، منافع مشترک دهلی‌نو و واشنگتن را تضمین کند. اما هند که روابط خصمانه‌ای با پاکستان دارد نمی‌تواند از خاک این کشور به افغانستان دسترسی یابد. بنابراین تنها گزینه ممکن و بسیار حیاتی برای نیل به این هدف ایران است.

